

این جرعه باید حیران شود



سخنرانی ویژه حجت الاسلام و المسلمین قرائتی در جمع جهادگران



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



فهرست مطالب

- ۱ مقدمه
- ۳ این جرقه باید تبدیل به جریان شود
- ۳ جایگاه خدمت رسانی در آیات و روایات
- ۵ خدمت رسانی، وظیفه ای بی برو برگرد
- ۶ انواع خدمت رسانی
- ۷ محرومیت‌زدایی در دین
- ۸ ما به روستایی بدهکاریم..
- ۹ بایدها و نبایدهای حرکت جهادی:
- ۹ هدفمند باشد
- ۱۰ برای خدا و بدون آرم باشد
- ۱۱ با اولویت باشد
- ۱۲ بادوام باشد
- ۱۲ مردم محور باشد
- ۱۲ رایگان باشد
- ۱۲ متقن باشد
- ۱۳ با اخلاص باشد
- ۱۴ به اندازه ی توان باشد
- ۱۴ بانندی و خطی نباشد
- ۱۵ اول، برای خودمان خوب است!

- ۱۶ چطور استفاده کنیم بهتر است؟
- ۱۷ انجام مستحبات، ممنوع!
- ۱۷ دکورسازی، ممنوع!
- ۱۸ پیروی از آداب و رسوم غلط، ممنوع!
- ۲۰ تک‌روی، ممنوع!
- ۲۱ آموزش‌های نامتناسب، ممنوع!
- ۲۱ آموزش‌های سخت، ممنوع!
- ۲۳ پوشیدن لباس شهرت، ممنوع!
- ۲۴ خود برتر بینی، ممنوع!
- ۲۵ مراقبت‌های ویژه جهادگران!
- ۲۸ کار جهادی، کاری مقدس
- ۳۰ باید از این جرقه، جریان بسازید



مقدمه

حرکت‌های جهادی در چند سال گذشته به لحاظ کمی و کیفی رشد چشم‌گیری داشته‌اند، و اردوهای جهادی را وارد دوران جدیدی کرده‌اند، دورانی که انتظار گذراندن اوقات فراغتی سالم در اردوهای جهادی بسیار حداقلی می‌نماید. این رشد در کنار هدف ارزشمند جهادی، رسالت بزرگتری را بر دوش جهادگران نهاده است؛ دورانی که باید بیش از پیش به ساختن خود پرداخت. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ ویژگی‌های اردوی جهادی، موجب شده است تا این حرکت مصداقی از واژه جهاد در قرآن کریم به شمار آید. اما باید جایگاه درست این حرکات را شناخت، مسیر پیشرفت را ترسیم نموده، به ابزار مناسب مجهز شد و با قدرت و قوتی در شأن این حرکت به راه افتاد. و از این نکته غافل نشد که عرصه‌ی جهادی نیز، همچون سایر مسیرها نیاز به چراغ‌های روشنی دارد که پیمایندگی این راه را هدایت و راهبری کند. الحمدلله در زمینه شناخت و نگرش، کار سختی پیش روی نیست، زیرا که در سرزمینی زیست و در فضایی تنفس می‌شود که از اندیشه‌های بزرگان دین و فرهنگ غنی است. حجت‌الاسلام‌والمسلمین قرآتی از جمله عالمانی هستند که سابقه‌ی فعالیت فرهنگی ایشان برای تبلیغ مبانی دینی در نزد همگان زبان‌زد و با استقبال زیادی مواجه بوده و هست. بیان طنزگونه و کلام‌گیرای ایشان، شیرینی مبانی و احکام اسلامی را برای مخاطب دوچندان می‌کند. شهید مطهری طی سفرهای تبلیغی که با ایشان آشنا می‌شود، نوع کلاس‌داری منحصربه‌فرد و همراه با خلاقیت ایشان را در آموزش و تفسیر قرآن مورد تحسین قرار می‌دهند.





طی «همایش بزرگ جهادگران رضوی» که در تابستان ۹۵ به منظور افتتاحیه اردوهای جهادی سراسر کشور برگزار شد. حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی با قبول دعوت جهادگران، به‌عنوان سخنران در این همایش حضور پیدا کردند. ایشان ضمن مفید دانستن و استقبال از ترویج حرکت و اردوهای جهادی، با تبیین الگوهای اسلامی خدمت به مردم، اردوهای جهادی را ادامه‌ی مسیر ائمه (ع) خواندند، و این اردوها را «جرقه‌ای» نامیدند که باید «جریان‌سازی» شود.

رهنمودهای هریک از این بزرگان همچون دانه‌های جواهری هست که کافیت جابگاه خود را در زیورِ زندگی جهادگران بیابد، همچنین توانمندسازی جهادگران در عرصه «نگرش» نیز از جمله رسالت‌های مهم هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی است، لذا این مجموعه این سخنرانی ارزشمند را در قالب جزوه‌ی «این جرقه باید جریان شود» تدوین و در ادامه‌ی جزوات نگرش‌ساز خود در دستور کار قرار داده است.

و کلام آخر اینکه هسته توانمندسازی خود را موظف می‌داند تا از این گوهرهای گران‌بها حفظ و حراست کند و با تراش آنها در قالب‌های جذاب به جهادگران هدیه کند؛ اما استفاده و به‌کار بستن آن‌ها در زندگی جهادی و فردی نیز وظیفه‌ایست مهم و البته لذت‌بخش که به عهده‌ی خود جهادگران است. امیدواریم که این نگین هدایت‌کمی باشد بر طی طریق رشد؛ ان شاءالله که موثر افتد و مفید.

هسته توانمندسازی حرکت‌های جهادی





این جرقه باید تبدیل به جریان شود

بسم الله الرحمن الرحيم؛ الحمد لله رب العالمين؛ اللهم صل على محمد و آل محمد؛ الهی انطقنی بالهدی و الهمنی التقوی.

این جرقه باید تبدیل به یک جریان بشود. این الگوهای جهادی باید به یک کار دائمی تبدیل بشود. این مسئله‌ی اردوهای جهادی باید به صورت یک کار دائمی و ریشه‌ای بشود. من حدود دو سال است که به یک چیزی معتقد شدم، با مسئولین هم صحبت کردم که باید هر جوان ایرانی تا زمان گرفتن دیپلم یک هنر را یاد بگیرد؛ هر مهارتی که دوست دارد. در دانشگاه نیز در چهار سال، شش سال، یک مهارت دیگر یاد بگیرد. اگر استخدام نشد یک فرد با مدرک دیپلم، لیسانس یا فوق لیسانس بی‌مهارت نباشند، مهارتی داشته باشد. استخدام شد الحمدلله! استخدام نشد، از زندگی عقب نیفتد، وارد یک کاری بشود. مشکل دولت ما و ملت ما این است که تحصیل کرده‌ها مدرک دارند، اما مهارت ندارند. آدمی که مهارت ندارد فقط می‌خواهد پشت میز بنشیند، میز هم این قدرها نیست، ما هشت میلیون میز نداریم! هیچ رئیس‌جمهوری هم این مشکل را نمی‌تواند حل کند.

اصل کار، نیازمند است که یک نگاه کلان و دائمی به این قضیه داشته باشیم. یعنی می‌شود مثلاً پادگان‌های ما به شکلی برنامه‌ریزی کنند تا سرباز بی‌مهارت که آمد، بعد دو سال یک مهارت یاد بگیرد. محال نیست، این ریشه و اصل کار می‌شود.

جایگاه خدمت رسانی در آیات و روایات

کار عیب نیست. حدیث داریم «سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ»^۱ آن کسی که کار می‌کند از همه آفاتر است. بسیاری حدیث در خصوص رفتن به مناطق محروم داریم که این حرکت

^۱ حدیث از پیامبر اکرم (ص)، الشافی، فیض کاشانی





باعث خوشحالی مردم هم می‌شود. «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا» چقدر روایت داریم برای کسی که مومنان را مسرور کند.

ثواب این کار هم در روایات از کم تا زیاد مختلف است. ثواب دو ماه اعتکاف، ده طواف، البته این ثواب‌ها وابسته به این است که نیت چه باشد، خدمت چه باشد، در چه زمانی باشد. یک لیوان آب ظهر عاشورا یک قیمتی دارد اما شام غریبان قیمتش عوض می‌شود! «ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ ۲» امیرالمومنین (ع) همان علی (ع) است و ضربت هم همان است، منتها قیمت «یوم الخندق» بیش از قیمت «یوم الخیبر» است. «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدَلٍ عِنْدَ إِمَامٍ جَائِرٍ ۳». مرگ بر شاه در برابر شاه یک قیمتی دارد، الان شما زیر لحاف تا صبح مرگ بر شاه بگویید، یک قران نمی‌خرند! آن زمان مرگ بر شاه در مقابل شاه مهم بود.

این که چند روز کار بکنیم، روی عشق کار بکنیم یا هوس، نیت‌ها چطور باشد، نوع کار چطور باشد، اینها باید بررسی بشود. اما ثواب‌هایی که برای این کار است: نُه هزار سال عبادت، در حدیث دیگر ده طواف، در حدیث دیگر هزار حج، در حدیث دیگر دو ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام، در حدیث دیگر بیست حج و انفاق به صد هزار نفر، در حدیث دیگر امان از قهر خدا، در حدیث دیگر زیاد شدن رزق، ماندگاری نعمت نزد انسان، آسان شدن حوائج دنیا و آخرت، اتصال به ولایت فقیه، این ثواب‌ها برای کمک کردن است. البته گفته شد این ثواب بستگی به این دارد که: کی؟ کجا و کی؟

۲ " مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّنِي وَ مَنْ سَرَّنِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ " حدیث از پیامبر اکرم (ص)، الکافی، جلد ۲،

صفحه ۱۹۰

۳ " ضَرْبَةُ عَلِيٍّ يَوْمَ الْخَنْدَقِ أَفْضَلُ مِنْ عِبَادَةِ الثَّقَلَيْنِ " بحارالانوار، ج ۲۰، ص ۲۱۶ / مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۳۲.

۴ حدیث از پیامبر اکرم (ص)، کنز العمال: ۵۵۷۶.





خبرنگار عراقی وقتی می‌بیند بوش در عراق آمد، لنگه کفشش را پرت می‌کند، آن لنگه کفش نخورد، یکی دیگر. این کار روی هم یک دقیقه هم نشد اما چند ثانیه‌ی این خبرنگار به اندازه‌ی سی سال تبلیغ من در تلویزیون اثر دارد. چون رئیس‌جمهور آمریکا بود و همه‌ی دوربین‌ها هم نشان دادند. وگرنه شما تو خانه با کسی دعوا کنید، لنگه کفش پرت می‌کنید که ثواب ندارد!

بنابراین سوال: این همه ثواب‌ها و این حدیث‌های مختلف برای چیست؟ جواب: آدم‌ها، نیت‌ها، کارها، زمان‌ها، مکان‌ها، فرق می‌کند؛ این یک مسئله.

خدمت رسانی، وظیفه‌ای بی برو برگرد

حدیث داریم که اگر کسی بتواند کمک کند، اما کمک نکند از ولایت خدا خارج شده «فقط قطع ولایت الله»، گناه اشرار را برایش می‌نویسند و حدیث داریم اگر کسی نیرو و پولش را در راه خدا خرج نکند، خدا بشکلی تدبیر می‌کند که نیرو و پولش را در راه ضد خدا خرج کند!

و اگر فرد خودش هم نمی‌تواند باید دیگران را تحریک کند. امام خودشان جبهه نرفتند - شرایط سنی و بیماری شان اجازه نمیداد که رزمنده بشوند- ولی جنگ را اداره کرد. در قرآن در مورد اینکه اگر خودت نمی‌توانی کاری انجام بدهی، دیگران را (فوت کن!) تحریک کن، در قرآن آمده: «وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ»؛ «وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» اگر خودت نداری، از دیگران بگیر. ممکن است شما بگویی من نمی‌توانم، از کس دیگر بگیر! «وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ»^۶ یعنی ما بی‌کار

۵. آیه ی ۱۸ ، سوره مبارکه فجر

۶. آیه ۳۴، سوره ی مبارکه الحاقه





نباید بنشینیم، یا خودمان، یا واسطه بشویم برای دیگران. یا خودت کمک کن یا دیگران را به کمک کردن وادار کن!

انواع خدمت‌رسانی

خدمات انوعی دارد. خدمت آبرویی، خدمت مالی، خدمت معنوی، خدمت نظامی، خدمت اطلاعاتی، خدمت سیاسی، خدمت روانی، خدمت فرهنگی، خدمات ویژه، خدمات به غیر مسلمان‌ها، اینها همه در قرآن هست. حیف که ما دستمان از قرآن خالیست! هر نکته‌ای که شما بخواهی در قرآن هست اما دستمان از قرآن خالی است.

تنها حدود ۵۰۰ آیه در قرآن در مورد خدمت مالی هست، در قالب‌های مختلف انفاق، صدقه، خمس، زکات، ایثاء، اعطاء، کفاره، اطعام، نذر، ایثار، قرض الحسنه، در قالب‌های مختلف چندصد آیه داریم برای کمک‌های مالی.

ولی مهم‌تر از کمک‌های مالی، کمک‌های فنی است. یک ضرب المثل هست که میگویند اگر کسی را دوست نداری به او ماهی بده تا بخورد. این پست‌ترین نوع خدمت است که غذای پخته بدهی تا بخورد. اگر کسی را دوست داری، ماهی به او نده، ماهی گیری یادش بده. اگر خیلی دوستش داری توربافی یادش بده، یعنی بالاترین خدمت، خدمتی است که کلیدی باشد. یعنی اگر در یک روستا می‌رویم بتوانیم به دختران روستا خیاطی یاد بدهیم. مسجد هم بسازیم سالی یک بار، دوبار، ده بار، شب‌های قدر می‌آید و تمام. سعی کنیم کارهایمان دائمی باشد، چندمنظوره باشد.

به نوع خدمات فکر کنید، اگر کسی بچه‌دار شده کتاب «کودک» آقای فلسفی را بهش بدهید، اگر داماد شده، کتاب «آیین همسررداری» آیت‌الله ابراهیم امینی را به او بدهیم. اگر بیسواده، باسوادش کنیم. ما چندین هزار آدم داریم که از نهضت سوادآموزی شروع کردند و موفق شد. تا کلاس سوم نهضت سوادآموزی آمد و بعد خود او رفت و پزشک





شد، نمونه هایش را در جامعه‌ی مدرسین داریم، لیسانس، فوق لیسانس. مهم این است که ما هلش بدهیم، دنده یک آن سخت است. یک خدمات دائمی. مثلا در سوادآموزی بیایید شما شریک بشوید. شما بروید خدمات را ارائه بدهید، ببینید بی سوادهای روستا چندتاست، ثبت نام کنید، کارهای مقدماتی اش را بکنید، معلم از روستا بگیرید. حتی معلم هم با خود افراد هماهنگ کنید، قرار داد ببندید، پس کمک علمی هم خیلی مهم است. کار کلیدی بکنید. سوادآموزی کار کلیدی است، نماز کار کلیدی است، مهارت کار کلیدی است.

در قرآن خدمات مختلف هست. خدمات نظامی هست: «وَعَلَّمْنَاهُ صِنْعَةَ لُبُوسٍ^۷». خدمت اطلاعاتی هست: حضرت موسی یک عامل نفوذی در دربار داشت، آمد و گفت: موسی فرار کن که یک برنامه‌ای برایت ریختند که تو را بگیرن و اعدام انقلابی کنند. زود فرار کن «وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ^۸». خدمت سیاسی هست، خدمت روانی هست. انواع خدمات را خودتان اطلاع دارید؛ تمامی هم ندارد. ممکن است فردی یک نوع خدمت دیگر را بلد باشد که بقیه تا بحال نمیتوانستند. کسی اگر اهل خدمت باشد، نوعش را پیدا میکند. زن‌هایی که هنر دارند از پوست پرتغال هم مربا درست می‌کنند و اگر هنر نداشته باشد برنج رشت را هم کوفته می‌کنند!

محرومیت‌زدایی در دین

مسئله‌ی رسیدگی به مناطق محروم یا فقرزدایی در دین ماست. شما عید فطر سه کیلو گندم باید بدهی، عید قربان گوشت قربانی می‌دهی. این یعنی چه؟ یعنی در یک عید

^۷ آیه ی ۸۰ از سوره انبیاء

^۸ آیه ی ۲۰ سوره قصص





- عید فطر - نان مردم تامین بشود، در یک عید - عید قربان - گوشت مردم! اینها پیام دارد.

ما به روستایی بدهکاریم..

شما فکر نکنید حالا شما دانشجویید یا بنده حجت‌الاسلام هستیم منتی داریم. ما به روستایی‌ها بدهکاریم. من آخوند از مخ تا کف پا به روستایی بدهکارم. روی سر من عمامه هست، عمامه از پنبه است که محصول کشاورز است. در خصوص شکم، میوه خوردم یا غذا خوردم، این گندم و برنج و سبزی و میوه برای کشاورز است؛ پای من هم کفش است، کفش هم چرم است، چرم هم پوست گاو است و برای کشاورز! یعنی بنده‌ی حجت‌الاسلام از مخ تا کف پا بدهکارم. یک وقت می‌روید کار میکنید فکر نکنید یک کار مهمی کردید.

ما باید برویم توبه کنیم که بعد از ۳۷ سال چرا بیدار شدیم! من رفتم عیادت یک کسی که نخاعی بود. گفتند آقای قرائتی است. گفت هر کس می‌خواهد باشد! گفتند آقای قرائتی تلویزیون است، گفت هر کسی می‌خواهی باشی باش! اصلاً نگاه به من نکرد.

گفتم: از من ناراحتی؟ گفت: بله، گفتم چه گناهی کردم؟ گفت: چرا حالا می‌ای عیادت من؟ میدونی چند سال من اینجا خوابیدم؟! گفتم هم نمی‌دانستم، هم مقصرم. از شما عذرخواهی میکنم..





بایدها و نبایدهای حرکت جهادی

هدفمند باشد

اگر روستا مهم است چرا حالا؟ انرژی‌ها و پولها دارد هدر میرود. شاه عباس ۴۰۰ سال پیش کار فرهنگی کرد، هنوز کاروانسرایش هست. اما ما برای کار فرهنگی بنر میزنیم، بعد پاره میکنیم! تندیس شیشه ای می‌دهیم. گاهی می‌خواهیم جایزه هم بدیم بلد نیستیم.

خیلی وقتها باید برای ازدواج جوانها بسیج بشویم. قرآن گفته «وَأَنْكِحُوا» به نکاح دربرایید، یعنی بسیج بشوید! نگفته والدین اقدام کنند یا حکومت اقدام کند، گفته است همه باهم اقدام کنند. دو سوم گناهان مربوط به شهوت است. این ازدواج را باید آسان کرد. خیلی از جوانان روستایی که می‌آیند شهر دیگر دختر روستایی نمی‌گیرند و دخترها توی روستاها با سن بالا ماندند؛ این مهم است. پیرها هم زن می‌خواهند، «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى»؛ ایاما یعنی جمع ایم و ایم یعنی بی‌همسر ولو پیر. یک کسی به مادر خیلی پیری داشت. این مادر پیرزن را آورد مکه، نمی‌توانست راه برود. کولش کرد، داشت طوافش میداد. حضرت دید. گفت این مادر من است، دیگر توان راه رفتن ندارد، آوردمش مکه و الان هم دارم طوافش میدهم، حق فرزندی را انجام دادم؟ حضرت فرمود نه؟ گفت: خب چکارش کنم؟ حضرت فرمود: برو شوهرش بده! گفت: این؟ نمیتواند راه برود! مادر که روی کول بچهاش بود گفت: خفه شو! تو بهتر می‌فهمی یا پیغمبر!

جوانها مشکیشان ازدواج است، حالی‌ش نیست. حواسش جای دیگه ایست. چندبار آمدند به من گفتن تو یک حرکتی در مورد ازدواج بکن. گفتم همه ثواب هارا من بکنم؟! یک کسی بچه سیده‌های خوشگل رو می‌بوسید به او گفتن حیا کن گناه

^۹ آیه ی ۳۳ سوره نور





است. گفت بخاطر این که جدش پیغمبر هست من به خاطر جدش میبوسم. یه سید زشت کچل آوردن گفتن این هم جدش پیغمبر هست. گفت: حالا همه ثواب هارا من بکنم؟!

یک حدیث داریم هرکس ازدواج کند نصف دینش کامل می شود. این نصف دین برای سن‌های چهل سال به بالاست. حدیث داریم «مَا مِنْ شَابٍ تَزَوَّجَ فِي حَدَائِثِهِ سَنَةَ إِلَّا عَجَّ شَيْطَانُهُ: يَا وَيْلَهُ، يَا وَيْلَهُ! عَصَمَ مِنِّي ثُلُثِي دِينَهُ..»^{۱۰} یعنی اگر دختر زود ازدواج کند، پسر زود زن بگیرد دوسوم دینش را کامل کرده است.

ازدواج مورد غفلت قرار گرفته است، بودجه تهاجم فرهنگی را رفتن استخر ساختن جوان‌ها شیرجه رفتن بدنشان حال آمد. اومدن بیرون گفتن حالا باید چه کرد؟! چه اشکالی داره؟ از یکسری بودجه‌ها صرف ازدواج بشود. مسئله‌ی ازدواج را باید حل کرد. ماهواره و هرچه بخواهد ببیند او اگر همسر داشته باشد دیگر از حلال ارضا شده است و نیازی ندارد پای فیلم و فضای مجازی بنشیند و وحشت‌هایی که داریم بخشیش برای شهوت است، شهوت هم دوایش ازدواج است. قانون میخواهد؟ آداب و رسوم است؟ چه کنیم ازدواج آسان بشود؟ واقعاً این مهم است.

برای خدا و بدون آرم باشد

در کمک باید مواظب باشید که کمک برای خدا باشد. دنبال آرم‌تان نباشید. اگر زندن، زدن؛ نزدن، نزدن! برای آرم چانه نزنید!

بنده سواد خاصی ندارم. یک طلبه معمولی هستم اما چون آرمم را برداشتم و گفتم هرکس می‌خواهد کتاب‌هایم را چاپ کند، ۱۵ میلیون کتاب‌های من چاپ شد. استاد داریم چهل برابر من سواد دارد اما چون می‌گوید، آرم من باشد، حق‌التألیف به من بدهید،

^{۱۰} حدیث از پیامبر اکرم (ص)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل جلد ۱۴، صفحه ۱۴۹





۵۰۰۰ هزار کتاب چاپ کرده است و روی دستش مانده! خودتان را هضم کنید راه می‌افتید... اصرار نکنید که باید در این جاده باشد، باید در این محله باشد... اصرار نکنید...

با اولویت باشد

اولویت با چیست؟ «لا صدقةَ و ذو رحمٍ محتاجٍ»^{۱۱} اگر فامیلت فقیر باشد و جای دیگر هم پول خرج کنی، ثواب ندارد. «لَا قُرْبَةَ بِالْتَّوَأْفَلِ إِذَا أُضْرَتِ بِالْفِرَائِضِ»^{۱۲} اگر کار مستحب دیگری انجام می‌دهی، درحالی که کار واجب مانده ارزشی ندارد!

خیلی از اینهایی که کار مستحب انجام می‌دهند با سی ثانیه بی‌دین می‌شوند. این جوان اولیاتش را بلد نیست حالا که آمده در مسجد، شیهاتش را جواب بدهید. آقا چرا اسلام گفته دست دزد را قطع کنیم؟ حالا فقر به یک کسی فشار آورد یک سکه یا قالیچه دزدید، شما چهارتا انگشت اش را قطع کنید تا آخر عمرش بی‌دست است، کسی دخترش را نمی‌گیرد، به پسرش زن نمی‌دهند، این قوانین خشن برای چیه؟! وقتی جوان جواب شیهه را نداند سی ثانیه تمام حفظ قرآن و اعتکاف و ... از بین می‌رود. آقا جان هر کس دزدی کرد که دستش را قطع نمی‌کنند! اگر اینطور بود هر کس که یک قلم دزدی کند دستش را قطع کنند که الان نصف مردم دست نداشتند! کدام یک از شما در بچگی یا بزرگی دزدی نکردید؟! من خودم بچه بودم می‌رفتم دهات‌های کاشان میوه می‌خوردم فرار می‌کردم! می‌گفتم چون پانزده سالم نشده است، پس هنوز ایراد ندارد! پانزده سالگی طلبه شدم. دیدم نوشته کسانی که مال مردم را کش رفتن، باید صاحبش را راضی کنند، گرچه در کودکی. رفتم گفتم آقا من از این درخت خوردم و... اکثرا پول نگرفتند. بیست و شش تا شرط دارد، هر کس دزدی کرد که دستش را قطع نمی‌کنند. اگر کسی از

^{۱۱} حدیث از پیامبر اکرم (ص)، فقیه، جلد ۲، صفحه ۶۸

^{۱۲} حدیث از امام علی (ع) نهج البلاغه، حکمت ۳۹





پادگان، از حسینیه، مسجد، دانشگاه، بازار، بیابان چیزی برداشت دزد هست، میگیرند، زندانش هم میکنند؛ اما دستش را قطع نمیکنند چون باید: یک، قفل بشکند یا دیوار خراب کند. دو، باید دوتا شاهد عادل نگاه کند. و سه، دزد باید آیه به گوشش رسیده باشد. ولی چون این بچه مسلمان‌های ما خبر از بیست و شش تا شرط ندارند با یک شبهه، پایین می‌ریزند. یک مقدار روی اعتقادات خودتان و روی مسئله‌ی ازدواج کار بکنید.

بادوام باشد

کمک‌ها نبایستی لحظه‌ای باشد. کارهایی باشد که ابدی و بادوام باشد.

مردم محور باشد

از مردم کمک بگیرید. ذوالقرنین وقتی می‌خواست سد بسازد، گفت آهنش را شما بیارید، ما بقیش با من.

رایگان باشد

کار را رایگان انجام بدهید. که اردوهای جهادی رایگان هم هست.

متقن باشد

کار را محکم انجام بدهید. ذوالقرنین سدی ساخت که قرآن می‌گوید «نقب^{۱۳}» نه می‌شود سوراخش کرد و نه می‌شود بالایش رفت. یعنی محکم‌سازی! سرهم‌بندی

۱۳. «فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبٌ» «پس از اتمام سد دیگر قبایل وحشی نتوانستند از آن بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند.» (سوره ی کهف، آیه ۹۷)





نکنیم. سد سازی یعنی محکم سازی! کارمان باید محکم باشد. حرفمان محکم باشد. اینکه میگویند: «قولاً سدیداً»^{۱۴} سدید یعنی سد سازی، یعنی محکم کاری. یک نصیحت را هم دکتر بهشتی به من کرد و هم آیت الله حائری به من گفتند. کلاس برای بچه‌ها و جوانها داشتم. آیت الله حائری هم دوره‌ی خود امام خمینی (ره) بود. ایشان گفتند: درست است که مخاطب‌های شما بچه هستند اما حرفی که به ایشان میزنید محکم باشد.

با اخلاص باشد

پیش شرط نکنید. یعنی من این کار را می‌کنم به شرطی که فلان! نباشد. اگر هدف‌های دیگر باشد حرف برمی‌گردد. مردم میفهمند. مهمان آمد خانه ما یک بچه سه‌ساله داشت او را بوسیدم. دیدم بچه‌ی خودم سه سالش است و دارد نگاه میکند. بچه‌ی خودم را هم بوسیدم. بچه خودم گفت: آقا جون! تو من را الکی بوسیدی! یعنی اول او را بوسیدی بعد دیدی من نگاه میکنم، من را هم بوسیدی. بچه‌ی سه‌ساله میفهمد... «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»^{۱۵} اگر «فینا» یعنی "در راه خدا" نباشد، اگر اخلاص نباشد، «لنهدینهم» نیست!

البته اخلاص هم که میگویم، سخت پیدا می‌شود و به این زودی نیز پیدا نمیشود. خود شما که، درجه‌یک هم هستید وقتی از حرم امام رضا (ع) می‌آیید بیرون، درهای آهنی و طلا را راحت میبوسید، اما بوسیدن درهای چوبی یک‌خرده سنگین است! یعنی خود شما امام‌تان با طلا قاطیه! من نمیدانم اگر یک بار عاشورا پلوه‌های امام حسین (ع)

^{۱۴} سوره مبارکه الأحزاب آیه ۷۰

^{۱۵} سوره مبارکه العنکبوت آیه ۶۹





برداشته بشود، امام حسین دیگر میماند یا امام حسین هم مثل امام جواد (ع) میشود مراسمشان! یعنی امام حسین (ع) هم که توی بورس است، پلو داره! یک سال عاشورا پلوهاشو بردارید ببینیم جمعیت اگر تغییر پیدا نکرد معلوم میشود. اخلاص مهم است.

به اندازه‌ی توان باشد

اگر بلد نیستیم، بگوییم بلد نیستیم! طوری نیست. خدا به حضرت موسی گفت برو پیش فرعون. حضرت موسی گفتند هارون از من بهتر است. «أُخَى هَارُونَ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لَسَانًا»^{۱۶} بیان هارون از من بهتر است. نترسیم بگوییم بلد نیستیم.

باندی و خطی نباشد

ذوالقرنین یک کاری کرد که خدا در قرآن از او تعریف کرد «مَطَّلَعَ الشَّمْسِ»^{۱۷}، «مَغْرِبَ الشَّمْسِ»^{۱۸} هم مشرق رفت هم مغرب. نگوییم اگر اینجا باشد می‌آیم، اگر آنجا باشد نمی‌آیم! نگوییم که اگر ایشان معاون باشد هستیم، اگر نباشد نیستیم. باندی و خطی عمل نکنیم. اگر گناه دیدید، جدا شوید اما تا موقعی که گناه ندیدید سعی کنید که کارتان شرق و غرب نداشته باشد.

^{۱۶} سوره ی قصص آیه ۳۴

^{۱۷} «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطَّلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ يَجْعَلْ لَهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا» سوره کهف، آیه

۹۰

^{۱۸} «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّمَا أَنْ تَعَذَّبَ وَإِنَّمَا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا» سوره کهف، آیه ۸۶.





تعصبی که خدا نخواستہ نباید داشته باشیم. «زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ»^{۱۹}. امام فرمود که بسیج بشوید. هر باسوادی بشود معلم، هر بیسوادی بشود شاگرد، همه مدارس و مساجد و تکیه‌ها بپا. اگر به همان دستور امام عمل میشد، رایگان یک ساله تمام میشد. الان سی سال است که سالی سیصد، چهارصد میلیارد پول آتش میگیرد، سر اینکه خانم یا آقا تکبر دارد. به خانم میگوئیم عروست باسواده دخترت باسواد است. درخانه پیش عروس درس بخوان میگوید من؟! شاگرد دخترم بشوم دیگر از این حرفها نزن! برم پیش عروس شاگرد عروس بشوم؟! عارش میشود. حالا ما از بیرون بازار آزاد آدم بگیریم حالا موفق بشود یا نشود! مشکل در خودمان است!

قرآن میفرماید: «مَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعاً»^{۲۰} اگر یک نفر را زنده کنی به اندازه‌ای ثواب دارد که انگار همه مردم دنیا را زنده کردی.

اول، برای خودمان خوب است!

خود این کارها برای خود شما خوب است. یک چند روزی نان روستا را می‌خورید، آب و هوای روستا را می‌خورید و فردا اگر یک روستایی آمد پیشت می‌فهمی که این چه

۱۹. «زَكَاهُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ زَكَاهُ الْعِجَاهِ بَدَلُهُ زَكَاهُ الْعُلْمِ الْاِحْتِمَالُ زَكَاهُ الْمَالِ الْاِفْضَالُ زَكَاهُ الْقُدْرَةِ الْاِنْصَافُ زَكَاهُ الْجَمَالِ الْعَفَافُ زَكَاهُ الظَّفَرِ الْاِحْسَانُ زَكَاهُ الْبَدَنِ الْجِهَادُ وَ الصِّيَامُ زَكَاهُ الْبَسَارِ بِرُ الْجَبْرَانِ وَ صَلَهِ الْأَرْحَامِ زَكَاهُ الصَّحَّةِ السَّعْيُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ زَكَاهُ الشَّجَاعَةِ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ زَكَاهُ السُّلْطَانِ إِغَاثَةُ الْمَلْهُوفِ؛ [۱۱] زکات دانش، نشر آن [و تعلیم به دیگران] است. زکات پست و مقام، آن را در خدمت دیگران گذاشتن است. زکات حلم و بردباری، تحمل و چشم‌پوشی است. زکات مال، بخشیدن است. زکات قدرت و توانایی، انصاف است. زکات زیبایی، عفت و پاکدامنی است. زکات پیروزی، احسان است. زکات بدن، تلاش و روزهداری است. زکات رفاه و آسایش، نیکی به همسایگان و صلہ‌رحم می‌باشد. زکات تندرستی، کوشیدن در راه طاعت خداست. زکات شجاعت، جهاد کردن در راه خداست. زکات ریاست، دادرسی از بیچاره‌گان و بی‌پناهان است.»

۲۰. سوره مبارکه مائده، آیه ۳۲.





مشکلی دارد. پیغمبر (ص) مزه‌ی یتیمی را چشید بعد که پیغمبر شدند دیگر مزه‌ی یتیمی را می‌دانست. «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ»^{۳۱} یعنی آدم مزه این را بچشد. اینکه چند روز یک دانشجو، طلبه، استاد، برود در روستا بچشد. پیامبرهای ما چرا چوپان بودند؟ دوازده ساعت باید منتظر می‌ماندند تا یک بزغاله سیر بشود. پیغمبری که برای سیر شدن یک بزغاله دوازده ساعت روی پا ایستاده است، حوصله می‌کند برای تربیت مردم هم وقت بگذارد.

کسی که لباس را می‌شوید، در ظاهر فقط لباس را میشوید اما دست خودش هم شسته می‌شود، عرق خودش هم درمی‌آید.

ظاهر کار شما هم این است که برای روستایی‌های محروم کار میکنید اما برای خودتان هم خوب است. ایام فراغتتان هم پر میشود. میخواهید کاندیدا بشوید؟ نه. مامورید؟ نه. معذورید؟ نه! برای خدا آمده‌اید. دستور امام و مقام معظم رهبری است. این اثر تربیتی دارد. فرصتی است از این فرصت استفاده کنید اینها برای خود شما هم خوب است. منتها چگونه استفاده کنیم که استفاده‌ی بهتری باشد.

چطور استفاده کنیم بهتر است؟

لیموشیرین، شیرین است اما سریع تلخ می‌شود. لیمو ترش، ترشه اما یک سال تو یخچال می‌ماند! از ترشی‌ها هم می‌شود استفاده کرد. از پوست پرتغال هم می‌شود مربا درست کرد. از همین یک هفته، دو هفته‌ها می‌شود کارهای کلیدی کرد. با افرادی میشود تماس خصوصی گرفت. شبهاتشان را میشود برطرف کرد. میشود فهمید که در دلش چه هست. ناله‌های دلش را بنویس. اگر بلد بودی، جواب بده. اما اگر بلد نیستی، زنگ بزن به یک اسلام‌شناس؛ بگو: آقا ما در چنین روستایی هستیم، یک جوانی

^{۳۱}. آیات ۹ و ۱۰ سوره ی مبارکه ضحی.





یک‌چنین حرفی زد. می‌توانیم دلالی کنیم بین شبهه‌ی یک نفر و جواب آن. شبهه مثل تیغ می‌ماند که در پای یک نفر برود دیگر نمی‌تواند بایستد. تیغ که رفت در مغز یک نفر دیگر تمام! در نماز، روزه، ولایت فقیه، و ... باید ببینید تیغ‌ها چیست ممکن است حتی جوابش را هم بلد نباشی. درمانش یک تلفن به یک اسلام‌شناس است.

انجام مستحبات، ممنوع!

این اردوهای جهادی کار خیلی خوبی هم هست. اما تا کار واجب هست، کار مستحب نکنید و این در کل زندگی‌تان اصل باشد. تا کار ارزان هست، کار گران نکنید. تا کار ماندگار هست، کار لحظه‌ای نکنید. تا کار عام‌المنفعه هست، کار خاص‌المنفعه نکنید. امیرالمومنین (ع) به استنادارش می‌گوید: «فکر عموم مردم باش». گاهی ممکن است کسی کاری بکند ولی فقط چند نفر از مردم استفاده بکنند. در مسائل مذهبی، تا مسجد نداریم، حسینیه نسازید. حسینیه سالی چند روز، نزدیک عاشورا باز است. به جرات می‌توان گفت اکثر حسینیه‌ها در طول سال درشان بسته است. اما مسجد استفاده شبانه روزی دارد. عزاداری مستحب است، نماز واجب است. خیلی‌ها حسینیه می‌سازند درحالی‌که در همان منطقه یا مناطق اطرافش، مسجدی وجود ندارد.

دکورسازی، ممنوع!

تا کار اصلی است، کار دکور نکنید. من جایی بودم که ۲۰ میلیون برای تواسیح هزینه گذاشته بودند. من پا شدم نعره کشیدم گفتم، برای تواسیح آیه‌ای داریم؟ حدیثی داریم؟ ضرورت دارد؟ به‌خصوص تواسیح عربی. شما یک میلیون برای اذان کنار نمی‌گذارید





که در قرآن آیه داریم، «تُؤَدَىٰ لِلصَّلَاةِ»^{۲۲} یا چه قدر حدیث، بعد برای تواشیح ۲۰ میلیون؟!

کارهایی می‌کنند که برایش غیر از «حماقت» لقب دیگری پیدا نمی‌کنید. شما لقب مناسب‌تری پیشنهاد دارید به من انتقال بدهید. قرارداد بنویسیم برای یک قرآن ده میلیارد تومانی. گفتم چه طور قرآنی است، گفت که هر کلمه اش با چوب یک درخت نوشته شده، مثلاً «والعصر» با چوب گردو. «ان الانسان لفی خسر» با چوب عناب، «الا الذین امنوا» با چوب پسته! خوب که چه بشود؟

پیروی از آداب و رسوم غلط، ممنوع!

کارهایی هست به اسم فرهنگی اما غلط است. اصلاً فرهنگی نیست. احیای مجموعه‌ای از آداب و رسوم است که اصلاً پای‌شان به جایی وصل نیست. ما در قرآن دوتا آداب و رسوم داریم، یک آداب و رسوم درست است که باید پیروی بشوند. نیاکان ما کارهای ارزشمندی کردند، باید پیروی کنیم. قرآن می‌گوید: «فَبِهَدَاهُمُ اقْتَدِهٖ»^{۲۳} تو دنبال انبیا قبل برو و به آنها اقتدا کن. اگر درست است، روی چشم! اگر غلط است باید بشکنیم. خط شکن بشویم در جبهه اسلام. چه کسی گفته دوماه محرم و صفر عروسی تعطیل باشد؟ آیا فتوای مراجع است؟ حریم عاشورا و شهادت باید حفظ شود، اما دو ماه پایش به جایی بند نیست.

اگر حرف می‌زنیم، باید حرف منطقی باشد. کار فرهنگی می‌کنیم، باید بپرسیم. چشم ما کجاست؟ آن وقت در کاشی کاری را کجا گذاشتی؟ پشت بام! من ایرانی‌ام، تو خط کوفی نوشتی روی کاشی! بعضی ایوان‌ها در حرم‌ها به شکلی ساخته شدند که من

^{۲۲}. آیه ۹، سوره مبارکه جمعه.

^{۲۳}. آیه ۹۰، سوره مبارکه انعام.





که ۵۵ سال است آخوند هستم، هر کار می‌کنم نمی‌توانم یکی از این کاشی‌ها را بخوانم! جن هم نمی‌تواند بخواند! آخر چشم من اینجا، بعد کاشی کجاست؟ بیست متری! نمی‌دانم اینها از کجا آمده؟! معماری اسلامی یعنی چه؟ یعنی کاشی‌های شاه عباس؟! چه کسی گفته که شاه عباس محور اسلام است که مدل کاشی‌کار زمان او باید بشود مینا؟ اصلاً مینا‌اش چیست؟!

این صلواتی که اخیراً قاری‌ها می‌فرستند، دروغ است! در هیچ کتابی نیست. اگر کسی این صلوات را در کتابی پیدا کرد، من دو میلیون جایزه بهش می‌دهم. «اللهم صلی و سلم و زد و ...» این صلوات کجاست؟ یا اینکه می‌گویند: «دست‌ها بالا، ده مرتبه یا حسین (ع)» کی گفته برای یا حسین (ع) گفتن باید دستها را بالا ببریم. ما برای «یا الله» گفتیم دستها را ببرید بالا، اما ما به امام حسین (ع) متوسل می‌شویم. خدایا، به آبروی امام حسین (ع) دعای ما را قبول کن. هرکسی یک چیزی می‌گوید.

بسیاری از کارهایی که ما می‌کنیم، مینا ندارد. بعضیها دینشان را از عرفا می‌گیرند. ما حق این کار را نداریم، مگر اینکه عارف فقیه باشد. اما اگر فقط عارفان خوانده است و مطالعات فقهی نداشته است، به چه دلیل شما از او تقلید می‌کنید. ببخشید این ذکر را بگو به جایی می‌رسی، دلیل شما چیست؟ گاهی می‌آیم حرف‌های دانه درشت‌های علما را نقل کنیم، می‌بینم مینا ندارند. از نظر علمی باید بررسی بشود که این حرف، سندش کجاست؟ فلان عارف گفته. خب بگوید! ما مامور به فقهیم نه عرفان! مگر اینکه آن عارف فقیه باشد.

کارهایی می‌کنیم که هیچ مینا ندارد. باید مراقب باشیم که فرهنگ صحیحی را جا بیندازیم.





تک‌روی، ممنوع!

یکی از اصول کار این است که شریکی کار کنید. مثلاً یک لامپ یک نور دارد، دوتا، سه تا، بیشتر. هرچه لامپ بیشتر باشد نور بیشتر است. یک طلبه به تنهایی ممکن است موفق نباشد. من خدمت مقام معظم رهبری عرض کردم که یکی از مشکلات ما این است که پیش‌نماز بعضی مسجدها پیرمرد است و به‌خاطر سن بالا نمی‌تواند با نسل نو ارتباط برقرار کند. یک جوری بشود که مساجد شریکی باشد. این پیرمردهایی که پیش‌نمازند یا پسرشان طلبه است، یا شاگرد طلبه دارند، یا دامادشان، بالاخره به یک طلبه‌ای که سراغ دارند بگویند نماز را من می‌خوانم تو برو ببین تو محله مریض کیست، برو عیادتش. شاگرد اول کیست، تبریک بگو. خدمات اجتماعی و روابط عمومی مال تو باشد، نمازش هم من می‌خوانم؛ شریکی.

به موسی گفتند برو پیش فرعون. گفت: «أَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي»^{۲۴} «هارون هم با من شریک بشود. یک سری کارها من، یک سری کارها هارون. خود امام خمینی روز عاشورا شریکی روضه می‌خواند. سخنرانی می‌کرد، روضه نمی‌توانست بخواند آقای کوثری می‌آمد می‌خواند. رهبری را امام می‌کرد، روضه را کوثری می‌خواند. مواظب باشید ببینید چه کسی می‌تواند بهتر از شما و بیشتر از شما نقش داشته باشد، کار شریکی کنید.

۲۴. «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي وَاجْعَلْ لِي وَزيراً مِنْ أَهْلِى هَارُونَ أَخِي اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي وَأَشْرِكْهُ فِي أَمْرِي»
 «(موسی) گفت: «پروردگارا! سینه‌ام را گشاده کن؛ و کارم را برایم آسان گردان! و گره از زبانم بگشای؛ تا سخنان مرا بفهمند! و وزیرى از خاندانم برای من قرار ده... برادرم هارون را! با او پشتم را محکم کن؛ و او را در کارم شریک ساز.»





آموزش‌های نامناسب، ممنوع!

در کار آموزشی قبل از هر چیزی، نماز! نماز! نماز! نماز مثل سوزن است. اگر رفت، نخ هم می‌رود، سوزن ایستاد نخ هم می‌ایستد. اگر نماز قبول شد باقی کارها هم قبول است. اگر نماز رد شد، مابقی هم رد است.

بعضی کار فرهنگی می‌کنند، چه می‌کنند را باید دید! من نوه سه‌ساله‌ام را فرستادم جلسات قرآن وقتی برگشت دیدم یک آیه‌ی بهشتی یاد دادن که مراجع هم حفظ نیستند: «**الْمَوْفُودَةُ وَ الْمُتَرَدِّيَةُ وَ النَطِيحَةُ وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ**»^{۲۵}!!! یا بچه‌های کلاس دوم ابتدایی را بردند جمکران مناجات عارفین «**إِلَهِي قَلْبِي مَحْجُوبٌ وَ نَفْسِي مَعْيُوبٌ**»^{۲۶}!!! اصلاً بلد هم نیستیم چه کنیم.

یک کسی دعای مسواک را وقتی تنش را می‌شست می‌خواند. گفتن دعا درسته، سوراخ دعا را گم کردی! مثل این است که دو شاخه برق را به تلفن می‌زنیم، دو شاخه تلفن را می‌زنیم تو پریز برق!

آموزش‌های سخت، ممنوع!

کار فرهنگی ظریف است دقیق است. با بچه چگونه حرف بزنیم؟ با یک روستایی چطور؟ زن؟ مرد؟ اگر می‌خواهید کار فرهنگی بکنید محور بذارید که آقا در این اردوهای ما، این هجرت‌های ما این زحمت‌هایی که ما کشیدیم، صد هزار تا بچه را با نماز آشنا کردیم. البته نماز هم که یاد می‌دهیم نماز روان باشد. «بحول الله» را یاد ندهید، مستحب است. «سمع الله، نصر عبده، انجز وعده...» همه مستحبات را خالی کنید. یک نماز

^{۲۵} سوره مائده، آیه ۳

^{۲۶} از دعای صباح





واجب دو رکعتی. ساده‌اش کنید. مثل مهمانی‌ها. مهمانی‌ها اگر آسان باشد همه افطاری می‌دهند وقتی چند رقم مربا و ترشی شد افطاری یک پروژۀ می‌شود! آدم باید یک مدتی پول جمع کند که یک افطاری بدهد و نمی‌شود!

در مستحبات هم نماز شب می‌خواهی یاد بدهی، آقا پنج تا دو رکعتی، یک یک رکعتی! هی می‌گه اقا نماز شفع با عین! بابا ولش کن! همین که می‌خواند بگو پنج تا دو رکعتی و یک، یک رکعتی. بدون «قل هو الله» هم خواستی بخوانی بخوان. تعاونی حساب کن که مشتری بشود. حالا چهل تا مومن و سیصدتا العفو و.. بابا ولم کن!

بعضی می‌خواهند تفسیر مکالمه کنند از روز اول بدون اینکه آشنا باشند از «المیزان» مطالعه را شروع می‌کنند. یعنی ژست دانشگاه می‌گیرند «استاد مطهری است». بله استاد مطهری هست اما به تو ربطی ندارد! تو می‌خواهی تفسیر مطالعه کنی اول «تفسیر نمونه» مطالعه کن. بچه باید اول شیر بخورد، بعد فرنی و شله زرد، تا برسد به گوشت ماهی که پر از استخوان هست.

ادا در می‌آوریم ما! خیلی کارها کار فرهنگی نیست. خیلی کارها ضد فرهنگ است. می‌خواهد با وضو باشد ادرارش را نگه می‌دارد. دائم‌الوضو بودن نیست اینطوری، داری ضرر به خودت می‌زنی. حتی اگر وضو داری بری دستشویی دومرتبه وضو بگیری و نماز جماعت تمام بشود، اسلام می‌گوید در این شرایط نماز جماعت را ول کن، فرادی بخوان. نماز فرادی که ادرارت را نگه نداری ثوابش بیش از آن نماز جماعتی هست که بخوای با وضوی قبلی بخوانی. خودش را مریض می‌کند، اصلا متوجه هم نیست.

اگر می‌خواهید کار فرهنگی بکنید واجب نماز است. فعلا مستحبات را حذف بکنید. شما این کاری که می‌کنید هم اثر انسانی دارد، هم اثر انقلابی دارد. مردم به انقلاب خوشبین می‌شوند. مردم با انقلاب همراه می‌شوند.

یک کتاب تمثیلات دارم شما حتما این کتاب را بخريد. صدتا مثل است ولی صدتا گره کور را باز می‌کند.





- خدا عادل است؟ بله. اگره خدا عادل است چرا بخاطر ۳۰ سال می‌گویند «خالدین فیها» تا ابد تو جهنم باشیم؟ من ۵۰ سال گناه کردم ۵۰ سال عذابم کنند. مگر عادل نیست؟ این شبهه با یک مثل حل می‌شود. مثل چیه؟ شما یک لحظه با چاقو می‌زنی تو چشمت، تا ابد کور می‌شوی. چاقو زدن یک ثانیه، کوری ۹۰ سال! حل شد شبهه.

- اشکال دوم مگه خدا عادل نیست؟ پس چرا بخاطر فلان گناه «حبطت اعمالهم»؟ در قران بارها گفته شده بخاطر یک خلافی که کردی تمام خوبی هایت نابود شد. حالا ما یک غلطی کردیم در یک دقیقه همه‌ی خوبی هامون محو بشه؟ بله. چجوری؟ مثل توپ فوتبال که سوزن می‌زنی به توپ، کل بازی خراب می‌شود. بله یک گوشه سوزن زدیم ولی..

پوشیدن لباس شهرت، ممنوع!

چند شب پیش جایی بودم یک قیافه‌ای دیدم که خیلی عجیب بود. می‌گفتم کیه این که این همه ریش گذاشته؟ یک قیافه‌ای داشت هیولایی بود! من پرسیدم این کیست؟ گفتند فلانی. یک روز به او زنگ زدم. گفتم شنیدی لباس شهرت حرام است؟ هر کاری بکنید که مشهور بشوید، حرام است. مثلاً زنگ موبایلش صدای الاغ باشد. زنگ ساعتت یک چیزی باشد و عطسه‌هایت با همه عطسه‌ها فرق داشته باشد. می‌خواهیم پیسی بخوریم می‌گویند برای من آب جوش بیارید. کانادا بیاورند می‌گویند برای من کوکا بیارید. اصلاً نمیداند فرق کوکا و کانادا چیه! فقط یک مرضی دارد که می‌خواهد با بقیه فرق داشته باشد؛ این مرضه!

امام کاظم علیه السلام فرمود کسانی که دست به یک کاری می‌زنند که مردم به آنها نگاه کنند اینها یک کمبودی دارند. لباس شهرت حرام است قیافه‌های قیافه‌های طبیعی باشد. حدیث داریم افرادی که وارد مدینه می‌شدند هی مردم نگاه می‌کردند آخر





می‌گفتند: «ایکم رسول الله؟» کدامتان پیامبرید؟ باید قیافه یک قیافه طبیعی باشد که کسی وحشت نکند. طبیعی باشد. حالا طبیعی اندازه هم ندارد. دو سانت، سه سانت، چهار سانت ندارد. طبیعی یعنی نگویند آنکه عمامه‌اش گنده است! آنکه موهایش همچین است! او که کفش هایش زرد است! نمود نباید داشته باشید. پیغمبرها یک جوری بودند که مردم می‌گفتند کدام اینها پیامبرند؟! در عبادت، در صدا، در همه چیز.

خود برتر بینی، ممنوع!

تفقد خیلی مهم است. با مردم مشورت کنید. فکر نکنید آنها سواد ندارند. ممکن است بعضی هایشان قدیمی باشند، سواد شما را نداشته باشند؛ کما اینکه خیلی هایشان سوادشان پایین هست ولی فرهنگشان بالاست. فرق است بین سواد و فرهنگ! حالا اسمشان را نمیتوانم ببرم اما یک دانه درشتی در مملکت می‌گفت که: من نشسته بودم یک شعر خواندم. شعر این بود: «الهی جسم و جانم خسته گشته / در رحمت به رویم بسته گشته» اما دید یک بی‌سواد بغلش نشسته هیچی هم سواد ندارد. گفت آقا جسم و جانم خسته گشته، دو ساعت بخواب! در رحمت خدا هم هیچ وقت بسته نیست! می‌گفت دیگر سرم را پایین انداختم از خجالت دیگر هم بالا نیاوردم؛ که من شخصیت مملکتی، این هم بی‌سواد!

خلاصه مردم را تحقیر نکنید. نقل شده حضرت موسی دید یک کرم ریز، توی خاک‌ها می‌لولد! گفت خدایا این کرم نبود چی می‌شد؟! اصلاً چرا این را خلق کردی؟! خطاب کرد: موسی! دفعه‌ی اول است که این سوال را کردی اما این کرم ده بار ازم پرسیده موسی نبود چی می‌شد؟!!

این نیست که حالا شماها لیسانسید! حالا مگه لیسانس چیست؟ من حساب کردم لیسانسه‌ها نه ماه بیشتر درس نمی‌خوانند. کل چهار سالتان، نه ماه است! چون چهار سال تو دانشجو هستی چهارتا تابستان تعطیله، چهارتا سه ماه می‌شه دوازده ماه، یک





سالش تابستون هست، هیچی! چهار تا ۵۲ تا جمعه و چهارتا ۵۲ پنج شنبه دارد، یعنی ۴ تا ۱۰۴ روز تعطیل است. هر سالی ۲۰ روز عید نوروز تعطیل است. بیست رو هم بین هر دو ترم تعطیل است. سی، چهل روز هم مناسبت است؛ عاشورا و تعطیلات و.. چندماهی بیشتر نمی ماند که تازه نصف آنهایی را هم که می خوانیم چرت و پرت است! یعنی با خواندنش جایی آباد نمی شود و با نخواندنش جایی خراب! مثلاً: کوه هیمالیا چند متر است؟ به تو چه! این هم علم است؟!

۳۵۰ تا «اعوذ» داریم؛ یعنی پناه می برم از بدی. یکی اش این است که پیامبر هر روز می گفتند: « اللهم اِنِّ اعوذُ بک من علمٍ لایِنفَع ».

با مردم روان باشید. آقا رفته، حالا می خواهد یک مسئله بگوید از کتاب داستان راستان ولی وقتی می خواهد در بین مردم صحبت کند می گوید از کتاب مستدرک الوسائل. مردم هم می گویند چقدر باسواده! روان بگو! یک ژست هایی بعضی ها می گیرند که گویا دانشمندند. از مردم، با مردم و در مردم باشید. البته این کاری که شما می کنید قهراً شما را می سازد و از مردم، در مردم و با مردم می شوید.

مراقبت های ویژه جهادگران!

- مراقب کلمات و شوخی هایتان باشید. مردم روی شما حساسند و روی کار شما خیلی دقت میکنند.
- «سهل المعونه» باشید. چه غذایی می خورید؟ هرچی همه می خورند. مردم مراقب لباس ما و خوراک ما هستند.





- حتی اگر گروهتان کم بود نگویند قرار بود هشت نفر باشیم، فلانی و فلانی هم باشند نیامدند پس نمی‌رویم. قرآن می‌گوید: «أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَخْنَى وَ فُرَادَى^{۲۷}» ممکن است تنها باشید. از تنهایی ترسید.
- اگر کارتان برای خدا باشد رشد می‌کند. «ما كان لله ينمو^{۲۸}» هر چه برای خدا باشد رشد می‌کند. سازمان‌هایی که امام بنا گذاشت، چون امام مخلص بود رشد کرد. ولی کارهای دیگر هم شد توی مملکت ما، سیاسی بود، اقتصادی بود، بانکی بود ولی رشد نکرد. امام حسین بعد از ۱۴۰۰ سال رشد کرد، تازه پیاده‌روی میلیونی در اربعین دارد. کار اگر خدایی باشد میماند. شاه عباس تاج و تختش رفت اما کاروانسرای که در راه مشهد و کربلا ساخت ماند.
- مراقب باشید که می‌روید جایی را آباد کنید، خودتان را خراب نکنید. همسرداری تان خوب باشد. هر کدام زن دارید به همسرتان برسید. بالاخره اگر مادر و همسرتان راضی نباشد، شما موفق نخواهید بود.
- راحت عذرخواهی کنید. ممکن است یک کار اشتباهی بکنید، راحت عذرخواهی کنید؛ روستایی یا شهری. آقا من اشتباه کردم!
- اینکه کار باید خدایی باشد یعنی ما باید نیت خدایی بکنیم اما مردم هم باید حسابش دستشان باشد و کمک کنند. یک مثلی بود قبلاً که: «اسب حضرت ابالفضل هم جو می‌خواهد!» درست است. ببینید شما الان از اکسیژن استفاده میکنید اما نیست اکسیژن نکردید. بنده می‌آیم سخنرانی ممکن است آب هم بخورم اما برای آب خوردن نیامدم. دنیا مثل خورشید است؛ از نور خورشید

^{۲۷}. آیه ۴۶، سوره مبارکه سبا

^{۲۸} امام علی (ع)، نهج البلاغه فیض الاسلام، خطبه ۸۹.





استفاده کنید ولی به نور خورشید نگاه نکنید. از سر نیزه می‌شود استفاده کرد، میشود بهش تکیه داد اما روی سر نیزه نمی‌شود نشست! از دنیا استفاده بکنید برای دنیا کار نکنید. بعضی‌ها پول نمی‌گیرند برای اینکه پز بدهند. به هر کس می‌رسند می‌گویند من را میبینی رایگان کار می‌کنم.

- کلمات را به جا معنی کنید: مخلص کیه؟ زاهد کیه؟ عارف کیه؟ فقیه کیه و متقی کیست. گاهی لغات را ما اشتباهی می‌گیریم. ما منزل ملایی اوایل انقلاب وارد شدیم. ملای درجه یک و انقلابی بود. ما قسمت بیرونی منزل بودیم. یک سینی برای ما آوردند سوپ و نان داخلش بود. غذا خوردی؟ گفتم : هی! گفت: هی یعنی چی؟ گفتم: سوپ خوردیم، غذا نخوردیم. گفت: غذا همان بود. گفتم: اگر میدانستیم با نان می‌خوردیم. فکر کردیم سوپ قبل از غذاست. گفت: ما انقلاب کردیم که زهد اسلامی را پیاده کنیم. گفتم: معنای زهد این است که خودت نخور نه اینکه به مهمانت ندهی! حضرت علی علیه السلام خودش نان خالی می‌خورد، نه اینکه به مهمان نداد. قرآن می‌گوید: «بِعَجَلٍ سَمِينٍ»^{۲۹} حضرت ابراهیم دوتا گوساله ی چاق آورد کباب کرد. نه آبگوشت، کباب! یعنی هم چاق بود و هم کباب کرد.

- فهم درست از دین داشته باشیم. مفاتیح را باز میکند، می‌گوید دعای ساعت اول، دعای ساعت دوم، دعای چهارم را ببینید. مردم رفتند کره ماه را تسخیر کردند، دین شما میگوید دعا بخوان، این دین است شما دارید؟! خب معنای این را متوجه نیستی. وقتی میگویند «داروی خانه ی شبانه روزی» یعنی چه؟ نه اینکه هی دارو بخر، هی دارو بخر؟ یعنی هر ساعتی از روز خواستی دارو بخری باز هست. شاید کسی شغلش طوری هست که ۴-

^{۲۹} "فَرَأَغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعَجَلٍ سَمِينٍ" سورة الذاریات، آیه ی ۲۶





۷ مشغول هست، برای ساعت ۹ هم دعا هست که اگر تا ۷ نتوانست دعا بخواند، ساعت ۹ بخواند. باید بنبند معنایش چیست.

- خیلی از چیزهایی که شماها حزب الهی میدانیدش ممکن است حزب الهی نباشد. مثلاً به فلانی می‌گوییم طاغوتی است. یا یک دختر بدحجاب است، به این بدحجابی کلمات بدی می‌گوییم. سوال کنید از مراجع که آیا این کلمه بیشتر گناه دارد یا بدحجابی آن فرد؟!

کار جهادی، کاری مقدس

این کار جهادی مقدس است، هجرت است. قرآن می‌گوید این کسانی که هجرت نمی‌کنند دوستشان نداشته باشید. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلَايَتِهِمْ مِّنْ

شَيْءٍ حَتَّى يُهَاجِرُوا^{۳۰}» ذره ای دوستش نداشته باشید و کاری هم به او ندهید.

کار شما هجرت است. کار شما مسرور کردن مومنین و خدمت به مستضعفین است. پیغمبر (ص) فرمود: «مَنْ سَرَّ مُؤْمِنًا فَقَدْ سَرَّتِي وَ مَنْ سَرَّتِي فَقَدْ سَرَّ اللَّهَ^{۳۱}». کسی که مسلمانی را شاد کند، من را شاد کرده و هرکس من را شاد کند، خدا را شاد کرده است. ان شاء الله همه شریک بشوند در این کار.

منتها منحصر به گروه خودتان نباشید. ممکن است شما یک گروه ده، پانزده نفره بروید در یک منطقه، در خود منطقه هم ممکن است استاد دانشگاهی، معلمی، دانشجویی باشد، دو نفر هم از آنها جذب کنید. نگوئید این از ما نیست. همه را از خودتان بدانید. از نیروهای مردمی و محلی هم استفاده کنید.

^{۳۰} سوره انفال، آیه ی ۷۲

^{۳۱} الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۹۰





تا کار واجب هست، کار مستحب نکنید. تا کار ارزان هست، کار گران نکنید. تا کار ماندگار هست، کار یکبار مصرف نکنید. تا نماز هست کار فرهنگی را روی نماز متمرکز کنید. سرود یادش می‌دهید، حالا سرود یاد هم نگرفت طوری نمیشود. بی سرود هم می‌شود زندگی کرد. حالا شما نماز یادش ندهید که سرود یادش بدهید؟! حتما شماره تلفن یک اسلام‌شناسی در کیفتان بگذارید که اگر در آن منطقه کسی یک شبهه‌ای ایجاد کرد بتوانید شبهه‌اش را جواب بدهید.

در روستا ممکن است یکی بپرسد چرا اینجا گرمه، آنجا سرده؟ چرا آنجا بارون آمد؟ چرا گاو من مرد، گاو او نمرد؟ چرا میوه‌های او ترقی کرد، میوه‌های من ترقی نکرد؟ یک میلیون چرا را ممکن است جلوی شما بریزند. شما این را باید با حکمت خدا جواب بدهید. حضرت امیر المومنین تو نهج البلاغه می‌فرمایند: خداوند یک چیزی می‌دهد، یک چیزی می‌گیرد. «مَادُ الْقَامَةِ قَصِيرُ الْهِمَّةِ وَ زَاكِي الْعَمَلِ قَبِيحُ الْمَنْظَرِ»^{۳۲} یعنی یک نفر قدش بلند است اما همتش کم است.

هر کس شکست خورد معنایش این نیست که بدبخت است. داروین در دو رشته شکست خورد رفت علوم طبیعی، شد داروین!

آیت‌الله تبریزی فرمود می‌خواستیم روضه‌خوان بشوم سواد نداشتیم، رفتم دنبال مرجع شدن. یکی از مراجع بزرگ قم شد. آیت‌الله میرزا آقای تبریزی. من خودم یک بار رفتم روضه بخوانم، از روستا بیرونم کردند! هر چه روضه خواندم خندیدند. رفتم پای تخته سیاه دیدم معلمی کردنم خوبه.

قله‌ها، دره دارند. زشتی‌ها کمالاتی دارند. کمال‌دارها، زشتی دارند. خدا طوری کرده که هیچ کس فکر نکند تمام خوشی‌ها مال این هست. همانی که فکر می‌کند بدبخت هست، خوشبخت هست.

^{۳۲}. نهج البلاغه - خطبه ۲۳۴





باید از این جرعه، جریان بسازید

اول اینکه، شما بعد از این دوره‌ی دوهفته‌ای، این دوره را تکمیلش کنید. بنده هم اگر کسی از فیلم، کتاب، نوار خواست کمک بگیرد در خدمتش هستم. و اگر لازم شد کتاب‌هایی قابل دسترس و مفید است از طریق همین تشکیلات بسیج در خدمتان می‌گذارم. خودتان هم خواستید چاپ کنید می‌فرستیم شما خودتان هرجایی چاپ کنید. دوم، شما بیایید اصلاً این کاره بشوید. و کار فرهنگی‌تان مختص به اردو نباشد. بعد از اردو هم در زمستان هم که اردو ندارید دور بچه‌های فامیل پسرخاله‌ها، پسرعمه‌ها جمع بشوید شبهاتشان را گوش کنید و شبهاتشان را جواب بدهید. هریک از شما اینکاره بشوید، پسرعمه، پسرخاله‌ها، خواهرها، دخترعمه، دخترخاله‌هایش را جمع کند و جلسات درونی داشته باشید و یک متنی هم باشد از روی همون متن - مثل: احکام آقای فلاح زاده - احکام نوجوان را برای پسرعمه‌هایت بگو. یا از «داستان راستان» یک قصه‌اش را برای پسرخاله‌هایت بگو. یعنی این کار را ادامه بدهید.

چوب کبریت به خودی خود چیزی نیست. اما این چوب کبریت به گاز وصل می‌شود. گاز وصل می‌شود به غذا. غذا وصل می‌شود به انسان. انسال وصل می‌شود به خدا. شما هم اگر خواسته باشید در یک مرحله‌ای بیایید و جمع بشوید و بودجه و تامین اعتبار و چی و چی و چی. یک تابستانی، یک هفته دوهفته‌ای هم بروید یک خدماتی. خب بله این کار خوبی هست، اما مثل چوب کبریت می‌ماند. شما باید از این جرعه جریان‌سازی کنید.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ





این الگوهای جهادی باید به یک کار
دائمی تبدیل بشود. این مسئله‌ی
اردوهای جهادی باید به صورت یک
کار دائمی وریشه‌ای بشود. این جرقه
باید تبدیل به یک جریان بشود.



هسته‌ی بنیادساز حرکت‌های جهادی
معاونت سازندگی سازمان بسیج دانشجویی
تهران، خیابان طالقانی، قطعه خیابان مفتوح
مجتمع ۱۳ آسان معاونت سازندگی

WWW.JAHADGARAN.ORG

TELEGRAM: ME7JAHADI

INFO@JAHADGARAN.ORG

021 - 88846085

